

گزارش ویژه از برگزاری هفتمین سالگرد شهادت فرهیها

هم میهنان!

ملت قهرمان ایران به فرزندان میهن پرست خود عشق می ورزد و یاد و خاطره ی آنان را برای همیشه در دل تاریخ خود ثبت و ضبط می کند. در هفتمین سال از شهادت دو سردار دلیر نهضت ملی ایران، دو عاشق ایران، دو جان شیفته ی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، دو رهبر شجاع حزب ملت ایران و دو رهرو راستین مصدق بزرگ، گروه ها گروه از زنان و مردان این سرزمین خدایی، در پی فراخوان حزب ملت ایران، ستاد برگزاری آیین هفتمین سالگرد شهادت فرهیها، خانواده آن شهیدان، پرستو و آرش فرهی، از ساعت ۱۵ روز سه شنبه ۱۳۸۴/۹/۱ در قتلگاه شهیدان حاضر شدند. انبوه جمعیت بالغ بر پنج هزار نفر تخمین زده می شد.

در ابتدای مراسم پرستو فرهی طی سخنانی گفت:

"از تمامی شما که اینجا گرد آمده اید و تمامی آنانی که در طول این هفت سال تلخ یاد و نام پروانه و داریوش فرهی را گرامی داشتند و زبان اعتراض بر جنایتی که بر آنان رفت، گشودند، سپاسگزاری می کنم، به ویژه از وکیل سرسخت و عدالت جوی مان ناصر زرافشان که به ناحق زندانی است و روزنامه نگار مبارز، اکبر گنجی، که آزادی خویش را فدای افشای حقایق کرد.

پرستو فرهی با سروده ای از مادر خود پروانه فرهی گفت:

ای آفریدگار

با من بگو که زیر رواق بلند تر

آیا کسی هنوز

یک سینه آفتاب و یا یک ستاره دل

در خود سراغ دارد؟

بامن بگو

که این شب تسخیر ناپذیر

آیا چراغ دارد؟

با من بگو

که چیزی جز درد مانده است

آیا به قدر مردمک چشم های ما

با گریه آشناست؟

هفت سال است که سنگ فاجعه بر دوش می کشم. هفت سال است که در لابلای هزاران شایعه و دروغ که به ما گفته اند در جستجوی تکه های کوچک حقیقت می گردم. شما ای عزیز پدر، ای نازنین مادر در آخرین نفس های زندگی تان که در این خانه به سر آمد چه کردید؟ در حصار بسته ی این خانه؟ کجای این خانه فریادتان به دیوار خورد؟ زیردست های این جماعت پلید چگونه جان دادید؟

در میان این جمع که اینجایند بسیاری کسانی که در شب یکم آذر ماه ۷۷ که خبر قتلان پیچید، سر از پا نشناخته به کوچه ی خانه مان آمدند و اشک بهت و نابوری بر زمین این کوچه ریختند."

پرستو در فراز دیگری از سخنانش گفت:

" هر گاه که در خانه را باز می کنم، آن صندلی خالی تو را می بینم، همان صندلی که تو را ای قدر پدر روی آن نشسته دیدم، در تصویر مرگت همان صندلی که قاتلان پیکر تو را هنگام کوفتن ضربه های دشنه بر سینه ات روی آن رو به قبله چرخانده اند، تنها نوار باریکی از پرچم ایران و چند قطره خون خشک شده، نشان این آخرین حضور جسم توست.

در جای جای این خاک که خانه ی ماست و عزیز و بزرگ می داریمش، هزاران هزار قربانی ستم خفته اند، نبض این خاک با درد آنان می زند، آنان که در گورهای دسته جمعی و بی نشان دفن شده اند، آنان که ریختن اشک بر مزارشان، بر مادران منع شد، آنان که حتی سنگ مزارشان ممنوع شد، آنان که طناب بر گلویشان کشیدند و آنان که دشنه بر پیکرشان نشانند، این خاک صبور پاس می دارد این فرزندان خویش را چون گنجینه ای در آغوش، تا آن روز موعود که ما زندگان، همت و غیرت یافتن یابیم، و ما بازماندگان قربانیان، چشم به راه آن روز موعودیم و امروز در این هفتمین سالگرد فاجعه و در این مکان شریف که خانه و مسلخ است، زنده داریم یاد یکایک قربانیان قتل های سیاسی در ایران را. از یاد دکتر کاظم سامی، تفضلی، برازنده، سعیدی سیرجانی، احمد میرعلایی، زال زاده تا یاد پیروزدوانی، محمد شریف، حاجی زاده، یاد گلوی فشرده ی آن شاعر بزرگ محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، یاد بدن زخم خورده ی زهرا کاظمی و یاد بزرگ داریوش و پروانه فروهر.

ما در حصار تنگی گیر افتاده ایم، حصار ی از دروغ، عوام فریبی و خشونت که فضای انسان بودنمان را تنگ می کند و این حصار ها فاصله ای میان بندهای ما و رهایی شما که نه تنها در مرگ که در زندگی تان رها زیستید و چه نیکبختید که زندگی و مرگتان همسوست زیرا که مرگتان دستمایه ای شد بس بزرگ برای تلاش در راه عدالت و آزادی. مرگتان داغ رسوایی بر آنان زد که دشمن می دانستندتان، آنان که فرمان قتلان دادند، آنان رو سیاه تاریخند و شما بیرقی در دست مردم رو به آینده رو به زندگی. و من چه بسیار شنیده ام قصه هایی در رثای شما و به یاد شما. به خانه که می آیم در این قتلگاه شما به چشم های تان در قابهای عکس خیره می شوم و در سکوت ذهن خود این قصه ها را بازگو می کنم، ای کاش شنیده باشید.

یادتان همواره زنده باد.

سخنان پرستو با ابراز احساسات حاضران رو به رو شد. شعارهایی در طول مراسم به شرح زیر سر داده شد:

— زندانی سیاسی آزاد باید گردد

— درود بر فروهر سلام بر زرافشان

— مرگ بر استبداد

— سلام بر فروهر ، درود بر مصدق

— پروانه قهرمان شهید راه ایران

— درود بر پروانه ، درود بر پروانه

— طالبان حیا کن، مملکتو رها کن

— فروهر قهرمان راهت ادامه دارد

— استقلال، آزادی، این است شعار ملت

در میان انبوه جمعیت حضور شخصیت های زیر چشمگیر بود: دبیر حزب ملت ایران، خسرو سیف، آرش فروهر، دکتر سعید آل آقا، مهندس حسین شاه اویسی، دکتر سیاوش صحت، مهندس بهرام نمازی، مهندس علی اصغر گل سرخی، فرزین مخبر، شیرین عبادی، مهندس عزت الله سبحانی، دکتر احمد صدر حاج سید جوادی، ناصر زرافشان دکتر فریبرز رییس دانا، حجت الاسلام احمد منتظری، عباس امیر انتظام، محمد بسته نگار، حبیب الله پیمان، ادیب برومند، دکتر پرویز ورجاوند، مهندس هاشم صباغیان؛ مهندس علی اکبر موسوی خوئینی ها، اعضای دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه)، مهندس بهاءالدین ادب، مهندس محمد توسلی.

این آیین پر شکوه، در ساعت ۱۹/۳۰، در میان شعارهای پرشور حاضران و خواندن سرود "ای ایران" خاتمه یافت.

زنان و مردان شرافتمند، حماسه ی حضور شکوهمند شما در آیین هفتمین سالگرد شهادت سرداران دلیر نهضت ملی ایران و رهبران حزب ملت ایران داریوش و پروانه فروهر که تا واپسین دم زندگی آرزویی جز سعادت، سربلندی، استقلال و آزادی ایران نداشتند چه بزرگوارانه پاسخ گفتید. درودتان باد.

حزب ملت ایران وظیفه خود می داند صمیمانه ترین سپاس ها را پیشکش گام های استوار و قلب های پر قهرمان کند. شما ثابت کردید یاد انسان های بزرگ و میهن دوست در سینه های گرم مردمان خوب میهن جاوید ماندگار و سینه به سینه و نسل به نسل منتقل می شود.

گام های تان استوار و دل های تان پر امید و یگانه باد

دبیر خانه حزب ملت ایران

تهران، شامگاه یکم آذر ۱۳۸۴ خورشیدی